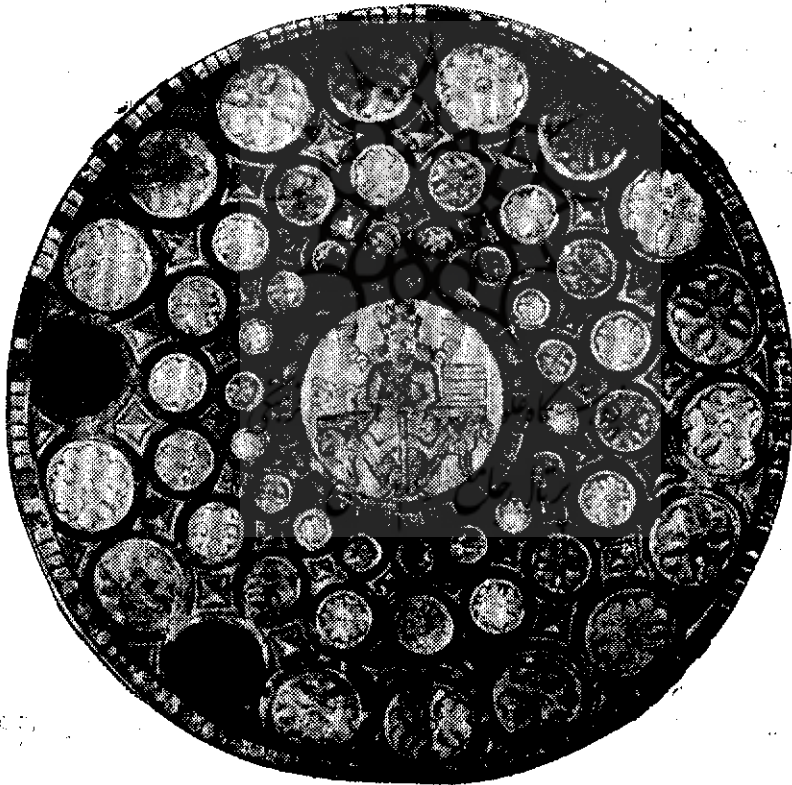


# سرمشق

برای نگارش تاریخ

تعلّم آهای بیخیزنا

تحقیقات و تتبعات تاریخی در جهان دانش روزار و زیر ترقیات خویش میافزاید  
و هر آن بصورتی کامل تر و بهتر درمیآید چنانکه اگر اثری را از یک نویسنده محقق  
کنونی با یک تاریخ کهن قیاس کنیم تفاوت آنها را از زمین تا آسمان مییابیم . در



خسرو انوشیروان

ایام قدیم و حتی سالهای بسیار نزدیک در میان برخی از ملل موضوع نگارش تاریخ  
چیز فکر برخی از مسائل عادی مثلاً تاریخ جنگها یا اوضاع در باری چیزی نبود .

نویسنده تاریخ بهیچ روی بر حیات اجتماعی عصر خود یا اعصار گذشته نظر نداشت و از سیر تمدن و ترقی یا انحطاطی که پیش می‌آمد و بیان علل آن در کتاب وی اثری نبود. تاریخ او درست با فسانه‌های شباهت داشت که احياناً بعض از آن بحقیقت نزدیک بود و بسیاری دیگر جز اباطیل و اراجیف چیزی بشمار نمی‌آمد. تعصب نژادی یا مذهبی و اغراض شخصی



شکار خسرو پرویز

ذهن نویسنده را از راه راست بیرون میبرد چنانکه گاه گاه نگارش تاریخ بییان مطاعن و مطالب بزرگی از بزرگان دین با عام و ادب منتهی میشد و دروغهایی ساختگی جای حقایقی صریح را میگرفت. ترس از زور مندان نویسنده را بجایپلوسی و دروغ بافی برای خشنودی دل ایشان و امیدداشت، البته در میان نویسندگان پیشین برخی یافته میشدند

که گاه دست از جان شسته و جان بر کف نهاده باظهار حقیقت توفیق می یافتند ولی بد است که امثال این گروه چندان معدودند که از هزار یکی و از بسیاری اندکی نتوانند بود و همیشه و همه جا علیه با گروه نخستین است.

اما امروزه تاریخ صورت علمی گرفته است که تابع قوانین و قواعد و سیستم و روش معینی باشد. در تاریخ امروزی قضا یا را درست مانند علوم دیگر از نظر عایت و معلولیت مینگردند چه میدانند که در عالم وجود هیچ مر بعلت و سائقه ای صورت



### آشنایان روی سکه های ساسانی حیوان عجیب از آثار صنعتی ساسانی

امکان نخواهد پذیرفت و ازین روی هر قضیه تاریخی ناچار نتیجه علت یا عللی میباشد که بر محقق بی جرئی و باقتن آنها فرض است علاوه بر این مورخ کنونی تمیز اخبار صحیح از سقیم را نیز برای خود وظیفه بزرگی می شمارد چنانکه ممکن است برای پیدا کردن يك حقیقت کوچک سالها تن بجستجو و تحقیق در دهد. اما فصل بزرگی که در علم تاریخ تحقیقی گشوده شد و تا کنون نمونه های خوبی از آن بوجود آمده است تحقیق در اوضاع اجتماعی و علمی و ادبی و تربیتی و سیر تمدن و پیدایش فرق و مذاهب است.

این باب از تاریخ از مشکلترین ابواب است. بخصوص که در باب اهم خالیه

با ادوار کهن باشد چه از طرفی دست یافتن بر وسائل آن بسیار سخت است و از طرفی دیگر استفاده از آن وسایل را دیده‌ای نیز بین و قریحه‌ای کنجکاو و فکری دقیق می‌خواهد و مورخی که در یکی از این رشته‌ها وارد می‌شود باید اطلاع دقیق بر رموز و دقائق فنی آن داشته و به‌بارت دیگر و برا تخصصی کامل در آن رشته حاصل باشد.



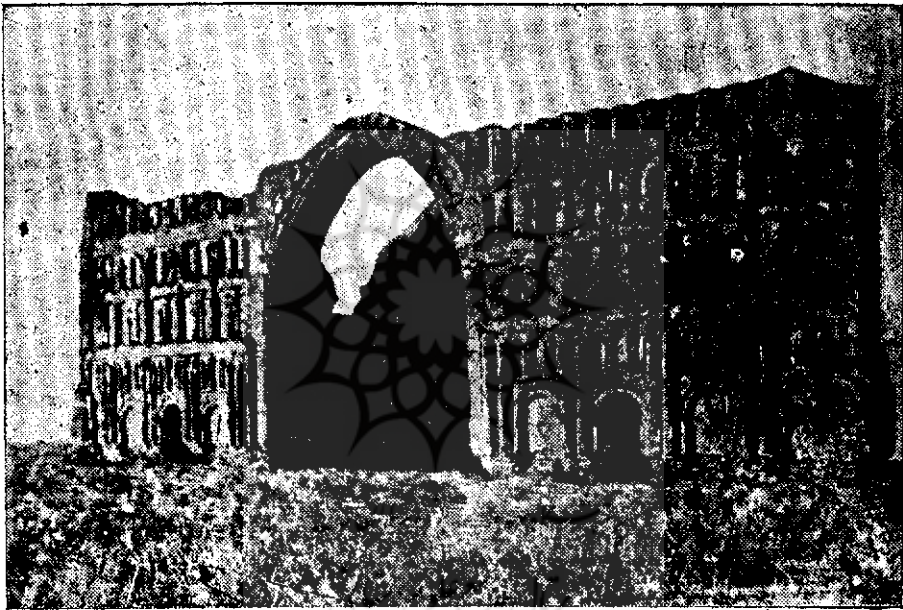
اردشیر بابکان در نقش رستم

امثال این کتب که از مهمترین آثار تاریخی بشمار می‌آیند تا کنون کمتر نگاشته شده است و اصولاً سبک تحقیق و تتبع محققین کنونی ماطور است که ایشانرا اجازه ورود در اینگونه مسائل نمیدهد و از آثار تاریخی ما آنچه تا کنون منتشر شده است (جز بعض آنها) همگی مجموعه‌ایست از اقوال درست و نادرست که در باب يك موضوع یا يك شخص از منابع مختلف گرد آمده است و حتی در نظر برخی تحقیق با روش استقرائی و استنتاج از حوادث برای بیان کلیات خشک و بی‌مزه می‌آید (!)

با این کیفیت کتب محققان بزرگ خارجی را باید همیشه در نگارش تاریخ

بمعنی کامل خود سرمشق قرار داد و بخصوص آناری که راجع بایران و مبتنی بر روش نامبرده است بزبان فارسی ترجمه کرد تا برای آنانکه از زبانهای خارجی آگهی ندارند سرمشق درستی باشد.

از میان اینگونه کتب آنها که تاکنون بزبان فارسی ترجمه شده اند میتوان بذکر نام «ایران در زمان ساسانیان» مبادرت کرد که از بهترین آثار خاورشناس بزرگ



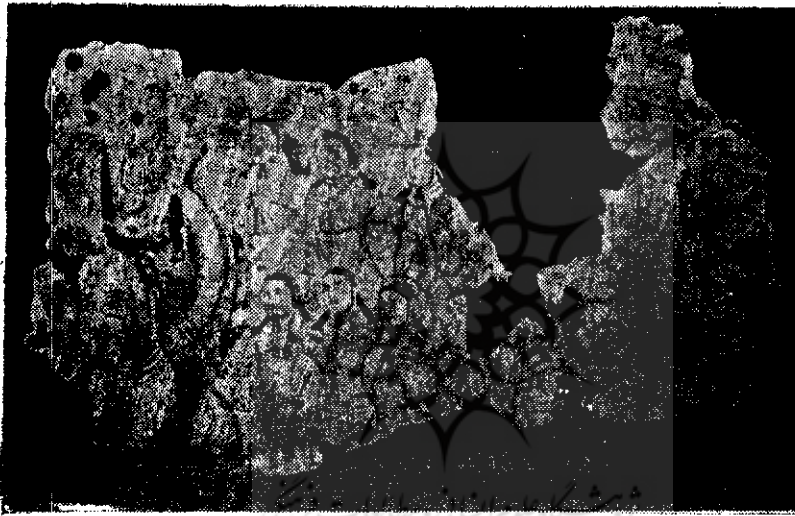
### طاق کسری

آرنور کریستن سن است، خدمات این دانشمند بتاریخ و زبان ایران هیچگاه از خاطر حق شناسان این کشور زوده نخواهد شد چه او قسمت بزرگی از حیات خویش را تنها برای ایران و روشن ساختن تاریخ آن صرف کرده است، تحقیقات وی در بعضی لهجعات جدید فارسی مانند سمنانی و شهپرزادی از یک جانب، و مطالعات عمیقش در تاریخ ایران قدیم و آثار گرانبهایی که در این باب بیادگار گذاشته است از جانبی دیگر ما را کاملاً بفضل این بزرگمرد معترف میسازد. آخرین کتاب مهمی که



گریستن سن راجع بایران منتشر کرده است کتاب نامبرده «ایران در زمان ساسانیان» می باشد.

ترجمه این کتاب بنا بر اصلی که گفته شد از لوازم بود چه مبتنی است بر تحقیقات بسیار عمیق در اوضاع اجتماعی و سیاسی و مذهبی ایران در دوره ساسانیان و نیز سیر تمدن این کشور در آن عهده که بامدارك متقن نموده شده است و سبک آن درست



### «جلسی مانی و شاعرانش»

همان سبکی است که ما برای یک تاریخ درست پیشنهاد کرده بودیم. اتفاقاً این مهم را فاضل بزرگوار آقای رشید یاسمی کفایت کرد و مارا بداشتن این شاهکار تاریخی بزبان فارسی نائل ساخت. مراتب فضل مترجم محترم آشکارتر از آن است که ما چیزی در این باب برای خوانندگان بنگاریم. سوابق ممتد ایشان در ادبیات و نیز ترجمه هائی که از این دانشمند منتشر شده خود بهترین وسیله شناختن مرتبه او است مع هذا باید معترف بود که آقای یاسمی در ترجمه این کتاب بیش از هر کتاب دیگر رنج برده و آنرا با روشی که لازمه ترجمه هست بزبان فارسی نقل کرده است.

زیبائی چاپ و دقت در تصحیح، اگر چه لازمه هر کتاب و وظیفه ثانوی ناشر و از نیروی ستودن يك کتاب بدین صفت امری زائد است ولی زحمات فراوان آقای یاسمی در این باب ما را بدکتر این نکته نیز ناگزیر میکنند و انصاف را حق این کتاب نفیس چه از حیث ترجمه و چه از حیث چاپ بنیکسی گزارده و از این راه بوسیله مترجم محترم خدمتی بادینات فارسی شده است.

### لشکر که عشق کم شدن راست

بی مهر تو دل صواب نبود	زیرا که بجز خراب نبود
هر دل که بدست عشق افتاد	جز سوخته و کباب نبود
دل چون سر زلف نیکوانست	بد باشد اگر بتاب نبود
بی زخمه گوشتمال مطرب	هیچم بود آن رباب نبود
بر درگه عشق هیچکس را	بی آتش درد آب نبود
در عشق بسی سوال باشد	کائرا مرکز جواب نبود
لشکر که عشق کم شدن راست	آنجا ره بازیاب نبود

ضیاء الدین عهر بسطامی